

## نقش تکرار در تشدید مجازات جرایم حدی از منظر فقه امامیه

رضا کریمی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

ابراهیم میرزایی<sup>۲</sup>

### چکیده

گاهی شرایط، به گونه‌ای است که اقتضا می‌کند در مجازات افراد خاطی با شدت بیشتری برخورد شود. علل تشدید مجازات در نظام‌های حقوق کیفری خصوصاً اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت تناسب بین جرم و مجازات می‌شود و این امر سلامت روانی جامعه را در پی خواهد داشت. نوشتار حاضر به بررسی نقش تکرار جرم در تشدید مجازات در جرایم حدی پرداخته است و با تحلیل نظریات فقها در این زمینه تلاش می‌کند تشدید مجازات را در صورت تکرار جرم به صورت دقیق تبیین نماید. نگارندگان با جمع‌آوری اطلاعات از منابع و متون فقهی موجود نخست به مفهوم شناسی پرداخته و سپس با بررسی اقوال و نظریات فقها به این نتیجه رسیده‌اند که اگر تکرار جرم در حدود به عدد معینی برسد، مجازات آن تشدید خواهد شد. در این مورد هیچ اختلافی میان فقها نیست. تنها اختلاف در این است که آن عدد معین کدام است؟ بعضی از فقها قائل‌اند که تکرار در مرتبه سوم و برخی در مرتبه چهارم سبب تشدید مجازات می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** تکرار جرم، تشدید مجازات، حدود، فقه امامیه.

---

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان  
۲. دکتری فقه قضایی گرایش جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

## مقدمه

وظیفه حکومت‌ها در تضمین امنیت عرصه‌های مختلف زندگی اشخاص و توجه به مصالح جامعه از طریق اجرای قانون جزا و به ویژه تشدید مجازات به انجام می‌رسد. تشدید مجازات از جمله موضوعات کیفری است که در ادوار و اعصار مختلف مورد توجه بوده است و از سابقه طولانی برخوردار می‌باشد. تشدید مجازات یکی از مصادیق اصل عدالت کیفری است؛ چرا که تناسب مجازات، در عادلانه نمودن نظام عدالت کیفری کمک قابل توجهی می‌نماید. یکی از نمونه‌های بارز جهات تشدید مجازات در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا بخصوص نظام جزایی اسلام، بحث تکرار مجازات است که غالباً در همه جرائم، جهتی برای تشدید مجازات محسوب می‌شود. تکرار جرم وصف افعال کسی است که سابقه محکومیت جزایی داشته و مجدداً مرتکب جرم شده باشد، یا حکم کیفری در مورد او اجرا شده باشد و او مجدداً مرتکب همان جرم شود. این بحث از جمله دقیق‌ترین مباحث حقوق کیفری است، از آن جهت که هم با مسائل جزایی مرتبط است و هم با مسائل اجتماعی. این موضوع به‌عنوان چالش مشترک، در تمام نظام‌های حقوق کیفری جهان مطرح است. تکرار جرم علاوه بر آن که نشانه ناتوانی و قصور بزهدکار جهت بازاجتماعی شدن و انطباق با زندگی عاری از جرم است، بیانگر کاستی و ناتوانی نهادهای مجری عدالت کیفری جهت بازسازی و بازپروری و همچنین پیشگیری از جرم است. بنابراین تکرار جرم از علل تشدید مجازات است، اما اینکه جرم چند مرتبه تکرار شود و چه شرایط و تفصیلاتی داشته باشد، در منابع فقهی به طور مشروح، به آن‌ها پرداخته شده و در این تحقیق نیز سعی و تلاش بر این است، که تکرار جرم ضمن مباحث حدود، از منظر فقه امامیه مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱- مفهوم جرم

«جرم» در علم لغت: «اصل الجرم قطع الثمره عن الشجر... و استعیر ذلک لکل اکتساب مکروه» اصل ماده جرم در لغت به معنای جدا کردن میوه از درخت است و

این واژه برای اکتساب هر کار ناپسند استعاره گرفته شده است» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۸۹).

در تعریف دیگر: «به معنای رسیدن امر ناپسند به غیر مستحق است» (طریحی، ۱۴۱۶: ۱، ۱۹). برخی دیگر از لغویین جرم را به «قطع و بریدن» معنا نموده‌اند. «فَالْجَرْمُ الْقَطْعُ...» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۴۴۶، ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۹۰، واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۶/۱۰۱). با توجه به تعاریف لغوی جرم، می‌توان نتیجه گرفت که «جرم» و «جریمه» در لغت به معنای ارتکاب کارهای زشت و ناپسند و مخالف حق است.

جرم در اصطلاح فقها به معنای سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس است و شامل هر فعل یا ترک فعلی می‌شود که دارای ضرر اجتماعی است یا موجب ضرر و زیان و تباهی شخص مرتکب می‌شود.

ماوردی چنین تعریف می‌کند: «جرم عبارت است از امور ممنوع شرعی که خداوند به وسیله اجرای حدّ یا تعزیر، مردم را از ارتکاب آن باز می‌دارد» (۱۳۶۳: ۲۱۱). اما از آنجا که این تعریف اشاره به قصاص و دیه نکرده است، ناقص است.

فاضل مقداد جرم را مترادف با جنایت دانسته و می‌گوید: «جرم عبارت است از کلیه جرائم و تعدیاتی که به نفس و اعضا صورت پذیرد» (۱۴۲۲: ۲، ۳۵۳). این تعریف هم کامل نیست؛ چون جرم را مترادف با جنایت دانسته و در واقع، به معنای خاص جرم اشاره نموده است.

برخی دیگر از فقها دایره جنایت را عام می‌دانند که شامل وارد کردن خسارات حیوانات به اموال دیگران نیز می‌شود (عاملی، ۱۴۱۰: ۲/۴۵۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵/۲۵۰).

فرهنگ نامه‌های جدید جنایت را به نوشیدنی‌های حرام و ارتکاب کارهای خلاف عفت، مانند: زنا و جنایت بر دیگری تعمیم داده و جنایت بر دیگری را اعم از

جنایت بر نفس و مال و عرض دانسته و جنایت بر نفس را به جنایت بر انسان و حیوان؛ به کشتن و وارد کردن آسیب بدنی و جنایت بر مال را به دزدی و آنچه در حکم دزدی است، مانند نیش قبر و برداشتن کفن؛ جنایت بر عرض را به قذف و گفتن سخنان آزار دهنده تقسیم کرده‌اند (هاشمی و دیگران، ۱۴۲۶: ۳/۱۲۱).

باتوجه به تعاریف فقها از اصطلاح جرم، آنچه می‌توان نتیجه گرفت این است که جنایت همان ایراد و صدمه به تمامیت جسمی انسان یا حیوان است و شامل زیان‌های مالی می‌گردد؛ هرچند که برای اتلاف مال و وارد کردن زیان‌های مالی، بیشتر از واژگانی چون «غصب»، «سرقت» و «اتلاف» استفاده می‌شود.

## ۱-۲- مفهوم تشدید

«تشدید» در لغت به معنای استوار کردن، قوت دادن، گران نمودن، خلاف تخفیف، سختی نهادن بر کسی، تنگ گرفتن بر کسی و مانند آن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵/۳۲۲؛ معین، ۱۰۸۵/۲). تشدید در زبان عربی نیز به همین معنا آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۲۳۲).

در کتب فقهی تعریفی از تشدید ارائه نشده، اما در بعضی از واژه نامه‌ها و فرهنگ‌های فقهی تعابیری آمده است. از جمله این‌که «جرائم در حالت عادی، مجازات معمول و مشخص خود را دارند، ولی گاهی اوضاع و احوال، زمان یا مکان و یا حتی کیفیت اجرای جرم موجب تشدید و غلظت مجازات می‌شود» (خاوری و دیگران، بی‌تا: ۱۲۴). پس تشدید در اصطلاح فقها به معنای غلظت آمده است. مانند، تغلیظ: (سخت گیری و در تنگا قرار دادن کسی) است. تغلیظ به دو گونه گفتاری و رفتاری است و تغلیظ فعلی تشدید در مجازات است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۲/۵۴۹).

## ۱-۳- تکرار در جرائم حدی

تکرار جرم در مجازات مستوجب حد، از علل تشدید مجازات محسوب می‌شود؛ درباره اینکه جرم چند مرتبه تکرار شود یا تحت چه شرایطی انجام شود در کتب فقهی به‌طور مشروح بیان شده است. در این قسمت به‌طور فشرده برخی از اسباب تکرار جرائم حدی بیان می‌شود.

### ۱-۳-۱- زنا

نیاز طبیعی آدمی به جنس مخالف مورد تأیید شرع مقدس اسلام قرار گرفته است؛ اما لازم است در محدوده بیان شده از سوی شرع تأمین گردد. هرگاه تأمین نیاز جنسی انسان از طریق صحیح صورت گیرد، عین صلاح و مصلحت است، اما چنانچه از مسیر اعتدال و شیوه صحیح خارج گردد، مصداقی از مصادیق فساد می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: (وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا) (اسراء/۳۲). در این آیه حرمت زنا مورد مبالغه و تأکید قرار گرفته است، زیرا خداوند متعال در این آیه نه تنها از عمل زنا نهی می‌کند، بلکه می‌فرماید هرگز به زنا نزدیک نشوید. همچنین در این آیه به فلسفه تحریم این فعل که همان فساد و تباهی شخص زناکار و نیز فساد جامعه، اشاره گردیده است. به همین جهت شارع مقدس علاوه بر حکم تکلیفی، یعنی حرمت زنا برای آن مجازات نیز تعیین نموده است مانند: سنگسار، کشتن، تازیانه و تبعید؛ لذا یکی از مجازاتی که در شرع مقدس برای زانی مقرر شده است تازیانه است؛ لذا اگر زنا تکرار شود و به عدد معینی برسد، مجازات آن تشدید خواهد شد؛ اما اینکه آن عدد معین کدام است؟ میان فقها (در فرضی که مرتکب آن انسان آزاد باشد) اتفاق نظر وجود ندارد. فقها در مورد حکم تشدید مجازات به سه گروه تقسیم می‌شوند:

**گروه اول**، فقهای بزرگ که اکثر آنها از متقدمین می‌باشند معتقدند که اگر شخصی مرتکب عمل زشت زنا شود و این عمل را تکرار نماید و در هر مرتبه حد بر

او جاری شود، در مرتبه چهارم باید کشته شود. از جمله فقهای که قائل به این قول هستند: (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۱۹؛ ابن زهره حلبی، ۱۱۳۹۰: ۴۲۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۷۴؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۴؛ طوسی، ۱۳۷۸: ۵؛ ابی صلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۷؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۵۱؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲ / ۵۲۰؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۴۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۹ / ۱۷۴؛ اسکافی، ۱۴۱۶: ۳۴۵). می‌باشند.

این گروه از فقها برای اثبات مدعیان به روایات متعددی استناد کرده‌اند؛ از جمله موثقه ابی بصیر، از امام صادق علیه السلام است. که امام علیه السلام می‌فرماید: اگر شخصی مرتکب زنا شود تا سه بار تازیانه و در دفعه چهارم کشته می‌شود.<sup>۱</sup>

طبق این روایت امام علیه السلام به صورت صریح مجازات مرتکبان زنا را در مرتبه چهارم کشتن می‌داند، چون در روایت سه نوبت زنا نیامده، بلکه سه مرتبه تازیانه خوردن مطرح است و در نوبت چهارم قتل است.

**گروه دوم**، فقهای، هستند که جرم زنا را در مرتبه سوم قتل می‌دانند. از این گروه (صدوق، ۱۴۱۵: ۴۲۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳ / ۴۴۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳ / ۲۴۰؛ محقق حلی، ۱۴۱۸: ۴ / ۱۴۶ و ۲۱۵). معتقدند، اگر کسی در مرحله اول و دوم حد بر او جاری گردد در مرحله سوم مجازاتش قتل است.

مستند این قول، روایت صحیح السند است که یونس از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند، حضرت فرموده است: «قَالَ: أَصْحَابُ الْكِبَائِرِ كُلِّهَا إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحُدُودُ مَرَّتَيْنِ قُتِلُوا فِي الثَّلَاثَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۲۱۹). تمامی مرتکبان جرایم بزرگ در صورتی که بر آنان دو مرتبه اقامه حد شود بار سوم کشته می‌شوند.

این روایت عام است و شامل تمام مرتکبان گناهان کبیره می‌شود و زنا نیز یکی از مصادیق گناهان کبیره محسوب می‌شود، پس مجازات مرتکب زنا بعد از دو

۱. «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الرَّانِي إِذَا زَنَى جُلِدَ ثَلَاثًا وَ يُقْتَلُ فِي الرَّابِعَةِ يَعْنِي إِذَا جُلِدَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ..» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۱۹۱).

بار اجرای حد در مرتبه سوم قتل است. ابن ادریس در کتاب **السرائر** علاوه بر استناد به روایت، ادعای اجماع نیز نموده است (۱۴۱۰: ۳/ ۴۴۲) بعضی از فقها با توجه به این که موثقه ابی بصیر خاص است، چون موثقه فقط در مورد زنا است و «صحیحۀ یونس» عام است، بدلیل تقدم خاص برعام، صحیحۀ را بر جرائم غیر از زنا حمل نموده‌اند (حلی، ۱۴۱۲: ۹/ ۱۳۹).

اما شهید ثانی در **مسالك** در پاسخ به این اشکال می‌فرماید: روایتی که مورد استناد گروه اول قرار گرفت، ضعیف می‌باشد؛ زیرا در سند روایت یاد شده محمدبن عیسی است که او از یونس و اسحاق بن عمار روایت کرده است، وی اگرچه ثقه است، ولی فطحی مذهب می‌باشد و نیز ابو بصیر، که او نیز مشترک است، بین ثقه و غیر ثقه. بدین ترتیب این روایت نمی‌تواند، با صحیحۀ یونس معارضه کند (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴/ ۳۷۲).

اما برخی دیگر از فقها می‌گویند: از آنجا که شارع مقدس اهمیت زیادی برای حفظ جان قائل است و از طرفی هم قتل یک امر بسیار عظیم و بزرگ است، به همین جهت شارع مقدس حفظ جان را واجب دانسته و در مورد گرفتن جان باید مدارا نمود، علاوه بر شرع، عقل نیز همین حکم را دارد. بنابراین، اگر کسی مرتکب عمل زشت زنا شود و این کار را تکرار نماید و در هر مرتبه حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود؛ ولی قتل در مرتبه سوم بنا بر آنچه قائلین به آن استدلال نموده‌اند دلیلی به جز روایت یونس وجود ندارد. این حدیث از حیث سند ضعیف است؛ چون در سند آن حدیث آمده است که محمدبن یحیی از احمدبن محمد از صفوان از یونس روایت کرده است که محمدبن یحیی ضعیف است؛ اگرچه مشهور فقها که قائل به قتل زانی در مرتبه چهارم هستند به روایتی استدلال نموده‌اند که خالی از قصور نیست؛ ولی شهرت، بلکه اجماع مؤید آن است؛ لذا جهت حفظ و احتیاط در نفوس باید زانی در مرتبه چهارم کشته شود (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۲: ۱۳/ ۸۷).

صاحب ریاض نیز پس از دسته‌بندی طرفداران هر دو دیدگاه، ترجیح اجماع منقول از «**الاتصار**» و «**عنیه**» مبنی بر قتل زانی در مرتبه چهارم به واسطه تعدد و صدور آنها در مورد خاص، بر اجماع ابن ادریس حلی، مبنی بر قتل زانی در مرتبه سوم، چنین می‌نویسد: با اجماعی که قائل‌اند زانی در مرتبه چهارم کشته می‌شود صحیح‌ای را که می‌گوید: زانی در مرتبه سوم کشته می‌شود می‌توان تخصیص زد، به خصوص آن که روایت عام با نصوص زیادی تعارض دارد مانند موثقه اسحاق بن عمار از ابوبصیر و یا خبر مروی از محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام که قصور سند آنها با شهرت جبران شده این روایت، مخصص دیگری برای صحیحه است. همچنین احتیاط در حفظ نفس محترم اقتضا دارد که مجازات زانی در مرتبه چهارم قتل باشد (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۵ / ۴۹۲).

همچنین مرحوم فیض کاشانی پس از بیان نظر خود بر اینکه زناکار پس از سه مرتبه حد خوردن در مرتبه چهارم کشته می‌شود، در ادامه به نقل از **کافی**، **من لایحضره الفقیه و تهذیب** به روایت یونس نیز اشاره می‌کند؛ ولی می‌فرماید: «شیخ طوسی در تهذیبین آن را حمل بر مواردی غیر از زنا نموده است (فیض کاشانی، ۱۴۳۰: ۹ / ۲۴۹).

**گروه سوم**، بعضی از فقها قائل‌اند که هرگاه عمل زنا تکرار شود و تا چهار مرتبه بر او حد اقامه شود، در مرتبه پنجم به قتل می‌رسد. شیخ طوسی این گونه استدلال می‌کند: «دلیلنا اجماع الفرقة و اخبارهم (۱۴۰۷: ۵ / ۴۰۸). ولی علامه حلی در **ارتداد الازهان** بعد از نقل قول فقها چنین می‌نویسد:

مرحوم شیخ طوسی در کتاب **الخلافا** می‌گوید: زانی در مرتبه پنجم کشته می‌شود این نظر از ایشان عجیب است؛ چون هیچ دلیل و مدرکی بر این که زانی در صورت تکرار در مرتبه پنجم کشته می‌شود وجود ندارد (۱۴۰۶: ۲ / ۳۹۲).

فیض کاشانی نیز معتقد است قول کسانی که می‌گویند زانی در صورت تکرار در مرتبه پنجم کشته می‌شود نظر شاذ است (۱۴۰۱: ۲ / ۶۹).



بنابراین با توجه به عبارات فقها یکی از مواردی که تکرار آن موجب تشدید مجازات می‌شود زنا است اما این که تکرار در کدام مرحله موجب تشدید مجازات می‌شود در تعداد تکرار نظر واحد بین فقها وجود ندارد. پس در این مورد دو نظریه مهم وجود دارد که قائلین هر دو نظریه به ادله از جمله روایت استدلال نمودند و هم چنین هر کدام روایت طرف مقابل را بدلیل ضعف و قصور سند رد نموده‌اند.

### ۱-۳-۲- تفخیز

### ۱.۱.۱.۱

یکی دیگر از مجازات‌های حدی که تکرار آن موجب تشدید مجازات می‌شود تفخیز (لواط غیر ایقابی) است؛ اما اینکه چه زمانی و چگونه؟ میان فقها اختلاف نظر است. برخی از فقها، با تمسک به عموم صحیحه یونس قتل را در مرتبه سوم تجویز کرده‌اند (ابن ادرس حلی، ۱۴۱۰: ۳ / ۴۶۲ مروارید، ۱۴۰۶: ۲۳ / ۲۳۸). هم چنین خوبی با اینکه در زنا و لواط در صورت تکرار با مشهور موافق است؛ ولی در مورد تفخیز و نظایر آن معتقد است مجرم در مرتبه سوم کشته می‌شود. ایشان سپس می‌گوید: این نظر گرچه مخالف نظر مشهور فقها است؛ چون مشهور معتقدند در تفخیز نیز مانند لواط و زنا در صورت تکرار، مجرم در مرتبه چهارم کشته می‌شود با این استدلال که هیچ فرقی بین لواط و تفخیز نیست؛ ولی ایشان به این استدلال اشکال نموده است بر این که هیچ وجهی بر این مقایسه وجود ندارد و حمل تفخیز بر لواط و زنا قیاس مع الفارق است. از طرفی تفخیز از جمله کبائر است. پس با استناد به روایت یونس که می‌گوید اصحاب کبائر در مرتبه سوم کشته می‌شود از نظر ایشان قول صحیح همان قتل در مرتبه سوم است (۱۴۲۲: ۴۱ / ۲۹۱).

اما مشهور فقها، فتوی به قتل شخص تفخیز کننده در مرتبه چهارم داده‌اند، همانگونه که شخص زنا کننده در مرتبه چهارم کشته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۴ / ۹۳۷ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳ / ۲۷۳؛ مروارید، ۱۴۰۶: ۲۳ / ۱۵۱). مستند این فتوی روایاتی است، که حد لواط و حد زنا را با هم بیان کرده است:

«عَلَىٰ بَنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَىٰ بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ يُونُسَ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ⑥: الزَّانِي إِذَا زَنَى جُلِدَ ثَلَاثًا وَ يُقْتَلُ فِي الرَّايِعَةِ يَعْنِي إِذَا جُلِدَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (کلبینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۱۹۱).

چون تکرار زنا در مرتبه چهارم باعث قتل زانی است، در تفخیز نیز همین گونه است. شهید ثانی، در کتاب **شرح لمعه** می‌گوید: احتیاط در دماء هم اقتضا می‌کند که قتل تفخیز در مرتبه چهارم انجام شود. ایشان در ادامه می‌گوید این قول را شهید اول در **شرح ارشاد** بر گزیده است (۱۴۱۰: ۹ / ۱۵۳)؛ علامه حلی نیز قائل به قتل در مرتبه چهارم است با این استدلال که قول قتل در مرتبه چهارم مقدم بر نظریه قتل در مرتبه سوم است؛ چون اگر در لواط و زنا قائل شویم که لایط و زانی در مرتبه چهارم کشته می‌شود در تفخیز که خفیف‌تر از لواط و زنا هست به طریق اولی در مرتبه چهارم کشته می‌شود (۱۴۱۰، ۲ / ۱۷۵). بنابراین تکرار در تفخیز در مرتبه چهارم موجب تشدید مجازات می‌شود، یعنی مجرم در مرتبه چهارم کشته می‌شود.

### ۱-۳-۳-۱- قوادی

### ۱.۱.۱.۲

یکی از مصادیق انحرافات اجتماعی «قوادی» است که برآیند تمرد و عصیان و معلول هوی و هوس افراد هنجارشکن می‌باشد. در شرایط فعلی، قوادی دیگر یک جرم جزئی و ساده نیست که با وساطت مستقیم فردی میان دو تن انجام می‌گرفت و به ندرت هم اتفاق می‌افتاد. امروزه قوادی یک جرم سازمان یافته است که از طرق مختلف با استفاده از ابزارهای ارتباطی مدرن، در حد وسیع، برای تأمین تقاضای بازار جهانی فحشا و رونق بخشیدن به صنعت روسپی‌گری انجام می‌گیرد.

لذا یکی از جرائمی که تکرار آن سبب تشدید مجازات می‌شود؛ قیادت است. البته فقها نسبت به زن و مرد تفصیل قائل شده‌اند؛ به این شرح که: اگر چنانچه قواد زن باشد، اکثر منابع فقهی قائل به تشدید مجازات در مورد آن، به گونه‌ای که در مورد مرد گفته شده است، نشده‌اند؛ بلکه برخی از فقها، صراحتاً مجازات تشدید را در مورد زن منتفی دانسته‌اند و علت آن را نبود دلیل بیان کرده اند (موسوی

اردبیلی، ۱۴۲۸: ۱۶۷ / ۲)؛ اما اگر مرد باشد و دو بار مرتکب این عمل شده باشد و در خلال آن حدّ بر وی جاری شده باشد، (مفید، ۱۴۱۳: ۷۹۱؛ ابن زهره حلبی، ۱۳۹۰: ۱ / ۴۲۷؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۵۷) و ... فرموده‌اند: در مرتبه دوم از شهر تبعید می‌شوند.

ابو صلاح حلبی در مورد تشدید مجازات در صورت تکرار قوادی چنین می‌نویسد:

«اگر مردی مرتکب عمل قیادت شود در مرتبه دوم علاوه بر تازیانه از شهر نیز تبعید می‌شود؛ ولی اگر عمل قیادت را تکرار کند و در خلال آن‌ها سه مرتبه بسبب عملش بر او حدّ جاری شود، در مرتبه چهارم از او خواسته می‌شود، که از آن عملش توبه کند که اگر توبه کرد، توبه‌اش قبول می‌شود و فقط بر او حدّ جاری می‌شود و الا کشته می‌شود و در صورتی که توبه کرد و توبه او مورد قبول واقع شد و مجدداً (دفعه پنجم) مرتکب این عمل شد، در این صورت کشته خواهد شد بدون اینکه توبه از او خواسته شود» (۱۴۰۳: ۴۱۰).

ابن زهره نیز معتقد به همین قول است؛ ولی ایشان می‌فرماید سند و دلیل این حکم روایت است (۱۳۹۰: ۴۲۷). اما ایشان متن و سند روایت را نقل نمی‌کند. علامه حلی نیز پس از نقل کلام ابن زهره می‌گوید:

«و نحن فی ذلک من المتوقفین» در این مسئله توقف می‌کنیم (۱۴۱۳: ۹ / ۲۰۲).

در نتیجه ایشان نظر ابن زهره حلبی را نه قبول کرده و نه رد می‌کند؛ ولی آنچه از کلام صاحب جواهر استفاده می‌شود، آن است که روایت مورد اشاره ابن زهره اثبات نشده است، لذا نمی‌توان موافق با نظر ابن زهره نظر داد؛ در نتیجه باید به قواعد باب رجوع کرد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱ / ۴۱۰)؛ یعنی از یک طرف صحیحه یونس بر کشتن اصحاب کبائر در مرتبه سوم دلالت دارد و در نتیجه باید گفت حکم تکرار قوادی در مرتبه سوم قتل است؛ از سوی دیگر شبیه استدلال‌هایی که

در باب تکرار زنا و... بود هم مطرح است؛ یعنی چون قوادی مهم‌تر از زنا نیست و زنا در مرتبه چهارم باعث قتل می‌شود.

پس با توجه به روایات و استناد فقها به روایات روشن می‌شود که قوادی در مرتبه چهارم موجب تشدید مجازات می‌شود، یعنی اگر کسی سه مرتبه این عمل را تکرار نماید و هر مرتبه بر او حد جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود، نه مرتبه سوم؛ همچنین احتیاط در دماء اقتضا دارد که قوادی در مرتبه سوم سبب تشدید مجازات نمی‌شود.

### ۱-۳-۴ - مساحقه

### ۱.۱.۱.۳

یکی دیگر از افعال که تکرار آن موجب تشدید مجازات می‌شود مساحقه است. همانگونه که همجنس‌گرایی مردان تحت عنوان لواط از مصادیق فساد به شمار می‌رود، همجنس‌گرایی زنان، نیز از مصادیق فساد بوده و از جمله انحرافات جنسی محسوب می‌شود. مساحقه از جمله جرائمی است که میزان مجازات آن در فقه معین و مشخص است و کیفر آن صد ضربه تازیانه می‌باشد (مفید، ۱۴۱۰: ۷۷۷). در اینکه تکرار مساحقه نیز مانند قوادی موجب تشدید مجازات می‌شود هیچ اختلافی در فقه وجود ندارد؛ ولی این‌که در مرتبه سوم موجب تشدید مجازات می‌شود یا در مرتبه چهارم در فقه نظر واحدی وجود ندارد بعضی قائل‌اند که مساحقه از مصادیق کبائر محسوب می‌شود پس در مرتبه سوم باعث تشدید مجازات می‌شود (سالار دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۵۳). همچنین خوبی نیز در مساحقه قائل به قتل در مرتبه سوم هست و در استدلال آن می‌فرماید: این حکم نیز به واسطه همان صحیحه یونس می‌باشد و تأکید می‌کند در این‌جا (بحث مساحقه) دلیلی وجود ندارد که بر این صحیحه قید بزنیم (۱۴۲۲: ۳۰۲ / ۴۲). بنابراین به نظر ایشان در خصوص مساحقه به عموم روایت یونس عمل می‌شود.

بعضی دیگر از فقها می‌گویند مساحقه در مرتبه چهارم سبب تشدید مجازات می‌شود (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۴۱۱؛ ابن براج، بی‌تا: ۵۲۸ / ۲، ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۶۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۹۴۳ / ۴؛ علامه حلی، ۱۴۰۶: ۴۰۱ / ۲). همچنین

شهید ثانی با این استدلال که در حدود بنا بر تخفیف است و همچنین به واسطه احتیاط در باب ریختن خون، مساحقه در مرتبه چهارم موجب تشدید مجازات می‌شود (بی‌تا: ۹ / ۱۵۴). صاحب ریاض نیز قائل‌اند بر اینکه مساحقه در مرتبه چهارم سبب تشدید مجازات می‌شود و این نظر را «اظهر و اشهر» می‌خواند و چنین می‌گوید:

«عموم متأخرین حتی برخی از کسانی که در مورد زنا و لواط قائل به قتل در مرتبه سوم هستند مانند شهید اول در لمعه و شهید ثانی در روضه؛ ولی در مساحقه قائل‌اند که در مرتبه چهارم کشته می‌شود (۱۴۲۳: ۱۶ / ۲۱).

بنابراین، باتوجه به استدلال اکثر فقها به خوبی روشن می‌شود که مساحقه در مرتبه چهارم سبب تشدید مجازات می‌شود و فاعلین این عمل زشت در مرتبه چهارم کشته می‌شود.

### ۱-۳-۵- قذف

### ۱.۱.۱.۴

یکی دیگر از مواردی که شارع مقدس با هدف حفظ آبرو و حیثیت انسان‌ها و جلوگیری از مفاسد فراوان اجتماعی و اخلاقی، برای آن مجازات حدی در نظر گرفته است عمل قذف می‌باشد؛ چرا که اگر افراد فاسد آزاد باشند هر دشنام و نسبت ناروایی به افراد بدهند و از مجازات مصون بمانند، حیثیت و نوامیس مردم همواره در معرض خطر بوده و حتی ممکن است به علت این تهمت‌های ناروا موجودیت خانواده به خطر افتد و محیطی آکنده از سوء ظن و بدبینی بر جامعه حکم‌فرما شود؛ لذا قانونگذار اسلام به‌خاطر حمایت از حیثیت افراد و خانواده و از همه مهمتر جامعه برای اشخاص و افراد که به شخصیت و آبروی انسان‌ها تعرض می‌کنند مجازات را معین نموده است که در نظام کیفری اسلام به آن حد گفته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۷، ۴ / ۱۳۹).

بنابراین، در نظام جزایی اسلام، یکی از جرائم حدی که تکرار آن موجب تشدید مجازات می‌شود قذف است؛ اما در اینکه قذف در مرتبه چندم سبب تشدید مجازات

می‌شود در فقه نظر واحد وجود ندارد. مشهور فقها قائل‌اند، که قذف در مرتبه چهارم باعث قتل می‌شود (مرورید، ۱۴۰۶: ۲۳ / ۱۰۴، ۱۶۶، ۲۰۴، ۳۴۱، ۳۶۷، ۴۱۶، ۴۴۷). شیخ طوسی در **الخلافا**، نظر دیگری را برگزیده است و می‌گوید قذف در مرتبه پنجم موجب قتل می‌گردد و دلیل ما اجماع فقهای امامیه و اخبار است «دلیلنا إجماع الفرقة و أخبارهم» (۱۴۰۷: ۵ / ۴۰۸)؛ ولی همانطور که بیان شد این قول را هیچ یک از فقها نپذیرفته‌اند.

برخی دیگر از فقها معتقدند، که قذف در مرتبه سوم سبب قتل می‌شود (نجفی، ۴۳، ۴۲۷؛ تبریزی، ۱۴۱۷: ۲۵۳). مستند این گروه صحیحه یونس است که در آن امام علیه السلام به‌طور کلی بیان می‌کند افرادی که مرتکب گناه کبیره می‌شوند اگر بر آنها حد جاری شود در مرتبه سوم کشته می‌شوند:

«مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام قَالَ: أَصْحَابُ الْكِبَايِرِ كُلِّهَا إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحُدُودُ مَرَّتَيْنِ قُتِلُوا فِي الثَّلَاثَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۲۱۹).

بعضی بر نظر سوم اشکال نموده‌اند با این استلال که: زنا، با آن قباحت باعث قتل زانی در مرتبه سوم نمی‌شود، چگونه می‌توان پذیرفت کسی که زنا نکرده؛ بلکه فقط به کسی نسبت زنا یا لواط را داده، در مرتبه سوم کشته شود؛ بنابراین با قیاس اولویت می‌توان گفت که تکرار قذف در مرتبه چهارم باعث قتل است (کریمی جهرمی، ۱۳۷۰: ۲ / ۲۱۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱ / ۴۲۷). علاوه، بر اولویت، می‌توان به احتیاط در دماء و احتمال شبهه، مبنی بر الحاق قذف به زنا، استناد کرد. پس قذف در مرتبه چهارم سبب تشدید مجازات و قتل قاذف می‌شود.

**نکته:** هرگاه شخصی چند نفر را به‌طور جداگانه قذف کند، در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می‌شود؛ خواه همگی با هم مطالبه حد کنند، خواه به‌طور جداگانه؛ ولی هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف کند، اگر هر کدام از آن‌ها جداگانه خواهان حد شوند، برای قذف هر یک از آن‌ها حد جداگانه‌ای

جاری می‌شود؛ ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد اجرا می‌شود (عاملی، ۱۴۱۰: ۹/۱۸۳).

بنابراین قذف در صورت تکرار در مرتبه چهارم موجب تشدید مجازات می‌شود نه در مرتبه سوم؛ چون با توجه به متون فقهی به خوبی روشن می‌شود که فقیهان معمولاً از استنتاج احکام کلی و یکپارچه برای «حدود» خودداری کرده‌اند؛ چون دلیل ندارد که شرایط و مقررات همه حدود یکسان باشد. وقتی مجازات اولیه همه جرائم یکسان نیست چه مانعی دارد که مجازات تکرار آن هم با یکدیگر متفاوت باشد؟ تنها دلیل اینکه نام حدود بر پاره‌ای از جرائم صادق است نمی‌توان همه آن‌ها را مشمول احکام واحدی دانست. از طرفی هم اگرچه تشدید مجازات برای تکرار جرم امری عقلایی است بنا بر قاعده و اصل احترام جان، سلب حیات به دلیل تکرار قذف در مرتبه سوم خلاف اصل و نیازمند دلیل استوار است اصل لازم الاتباع در این باره «اصل عصمت جان آدمی» و «احتیاط تام» است که به موجب آن، جان انسان باید از تعرض مصون باشد؛ لذا براساس مبنای فقهی و تنها استناد به خبر واحد آن هم ضعیف‌السند نمی‌توان گفت قاذف در صورت تکرار در مرتبه سوم کشته شود. به همین جهت فقیهان بارها در مباحث جزائی تأکید کرده‌اند که: تعرض به جان آدمی با استناد به خبر واحد خطر آمیز است (حلی، ۱۴۰۸، ۴/۱۱۴-۱۱۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۷/۸۷-۹۹). همچنین تکرار جرم اصولاً مستلزم تشدید مجازات برای بازدارندگی یا تأمین دیگر مصالح مورد انتظار از کیفر است. عبور از این داوری عقلایی هم نیازمند دلیل است؛ ضمن اینکه جان آدمی هدیه الهی و تعرض به این موهبت خدادای آسان نیست. پس در قذف نیز تکرار در مرتبه چهارم موجب اعدام می‌شود نه مرتبه سوم.

### ۱.۱.۱.۵.

### ۱-۳-۶- شرب مسکر

در اسلام نوشیدن انواع مشروبات الکلی، کم یا زیاد حرام و باعث ثبوت مجازات است؛ حتی اگر مقدار نوشیدن شراب به حدی نباشد که باعث مستی شود؛ لذا در کتب فقهی، آمده است که حتی در صورت انحصار مداوا با مشروبات، بنابر

قول مشهور شرب آن جایز نیست (هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۲۶، ۴۹۳/۳). در نظام اسلامی شرب خمر از جمله جرم‌هایی است که مجازات حدی دارد و در صورت اثبات خوردن مشروب، بر شارب حد جاری می‌شود. همچنین تکرار شرب خمر موجب تشدید مجازات می‌شود؛ یعنی اگر شرب خمر به عدد معینی برسد مجازاتش نیز شدید می‌شود در این مورد هیچ اختلافی نیست؛ ولی این که آن عدد معین کدام است میان فقها اختلاف است.

. مشهور فقها قائل‌اند بر اینکه شرب مسکر در مرتبه سوم سبب تشدید مجازات می‌شود. مستند مشهور، روایات زیادی است که همه بر قتل شرابخوار در مرتبه سوم دلالت دارند که در این جا از باب نمونه چند روایات اشاره می‌شود:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ⑥ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ⑤ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَاجْلِدُوهُ فَإِنْ عَادَ فَاجْلِدُوهُ- فَإِنْ عَادَ الثَّلَاثَةَ فَاقْتُلُوهُ». «وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ جَمِيلِ بْنِ ذَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ⑥ أَنَّهُ قَالَ: فِي شَارِبِ الْخَمْرِ إِذَا شَرِبَ ضَرْبَ- فَإِنْ عَادَ ضَرْبَ فَإِنْ عَادَ قُتِلَ فِي الثَّلَاثَةِ» «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا ⑩ فِي حَدِيثٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَاجْلِدُوهُ فَإِنْ عَادَ فَاجْلِدُوهُ- فَإِنْ عَادَ فَاقْتُلُوهُ فِي الثَّلَاثَةِ». «وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ⑥ كَانَ النَّبِيُّ ⑤ إِذَا أَتَى بِشَارِبِ الْخَمْرِ ضَرْبَهُ- فَإِنْ أَتَى بِهِ ثَانِيَةً ضَرْبَهُ- فَإِنْ أَتَى بِهِ ثَالِثَةً ضَرْبَ عُنُقِهِ- قُلْتُ النَّبِيُّ قَالَ- إِذَا أُخِذَ شَارِبُهُ قَدْ انْتَسَى ضَرْبَ ثَمَانِينَ- قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ أَخَذْتَهُ ثَانِيَةً قَالَ أَضْرِبُهُ- قُلْتُ فَإِنْ أَخَذْتَهُ ثَالِثَةً- قَالَ يَقْتُلُ كَمَا يَقْتُلُ شَارِبُ الْخَمْرِ الْحَدِيثُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۸ / ۲۳۳-۲۳۷).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در تمام این روایات امام ⑥ می‌فرماید در صورت تکرار شرب خمر، شارب در مرتبه سوم کشته می‌شود. از جمله کسانی که به این روایات استدلال نموده است شیخ صدوق است که ایشان در بحث شرب خمر چنین می‌گوید:



«به شارب مسکر، خواه شراب انگور باشد یا شراب خرما، هشتاد تازیانه زده می‌شود؛ اگر مجدداً نوشید باز تازیانه زده می‌شود؛ اگر باز هم مرتکب شد به قتل می‌رسد (۱۴۱۳: ۵۶).

همچنین فقیهان دیگری نیز قائل‌اند بر اینکه شرب خمر در صورت تکرار در مرتبه سوم موجب تشدید مجازات می‌شود (ابو صلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۳؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴: ۲۵۳؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲ / ۵۳۱؛ خوبی، ۱۴۲۲: ۴۱ / ۳۳۳، طباطبایی، ۱۴۲۳: ۱۶ / ۷۳).

صاحب جواهر در شرب خمر در صورت تکرار قتل در مرتبه سوم را مطابق با نظر «مشهور فقها به شهرت عظیم» تلقی می‌کند بعد ایشان می‌نویسد که در **عُنْیه** ادعای اجماع شده است و همچنین مستفاد از اخبار مستفیض بلکه بالاتر از مستفیض چه در صحیح و غیر صحیح آمده است که شارب خمر در مرتبه سوم کشته می‌شود همچنین روایتی که می‌گوید اصحاب کبائر در مرتبه سوم کشته می‌شود دال بر این مطلب است (۱۳۶۳: ۴۱ / ۳۳۱).

برخی از فقها معتقد به قتل شارب مسکر در مرتبه چهارم هستند مانند: (طوسی، ۱۳۸۷: ۸ / ۵۹ و ۱۴۰۷: ۵ / ۴۷۳؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۹ / ۲۰۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۹ / ۲۰۲). مستند گروه دوم برخی روایات مرسله است که در آن قتل مسکر در مرتبه چهارم است.

«قَالَ الصَّدُوقُ فِي الْفَقِيهِ وَ رَوَى أَنَّهُ يُقْتَلُ فِي الرَّابِعَةِ» (بیهقی، ۱۴۲۴: ۸ / ۳۱۴).

«أخبرنا أبو محمد عبد الله بن يوسف الأصبهاني أنبأ أبو سعيد بن الأعرابي ح وأخبرنا أبو الحسين بن بشران أنبأ إسماعيل بن محمد الصفار قال ثنا سعدان بن نصر ثنا سفيان عن الزهري عن قبيصة بن ذؤيب قال قال رسول الله ﷺ : من شرب الخمر فاجلدوه ثم إذا شرب فاجلدوه ثم إذا شرب فاجلدوه ثم إذا شرب في

الرابعة فافتلوه فأتى برجل قد شرب الخمر فجلده ثم أتى به فجلده ثم أتى به فجلده  
ثم أتى به فى الرابعة (حرّعاملى، ۱۴۰۹: ۲۸ / ۲۳۵).

برخی از فقها بر این مرسله اشکال نموده‌اند بر اینکه شیخ طوسی، در کتاب  
**خلاف** به این روایت تمسک کرده است، این روایت در سنن بیهقی آمده است ولی  
در منابع شیعه ذکر نشده است (موحدی لنگرانی، ۱۴۰۸: ۲ / ۴۸۰).

اما فخر المحققین در جواب می‌گوید:

زنا گناهی قبیح‌تر از شرابخواری است، در مرتبه چهارم کشته می‌شود، چنانکه  
گذشت، پس اینجا به‌طریق اولی باید در مرحله چهارم کشته شود (۱۳۸۷: ۴ / ۵۱۵).

همچنین صاحب جامع المدارک می‌گوید:

احتیاط در دماء اقتضا می‌کند که قتل در مرتبه چهارم باشد؛ از طرفی شیخ  
طوسی از روایات صحیحه مزبور اعراض کرده و مطابق آن‌ها فتوی نداده است، در  
نتیجه پذیرفتن نظر مشهور مشکل است (۱۴۰۵: ۷ / ۱۲۹).

علامه حلی در توضیح نظر شیخ طوسی که ایشان به قول صدوق استدلال  
نموده که روایت شده او را در مرتبه چهارم می‌کشند. اینکه صدوق ثقه و مرسله  
صدوق مانند مسند اوست و اینکه زنا گناهی بس بزرگتر از شرب خمر است و  
زناکار در مرتبه سوم کشته نمی‌شود اشاره و سپس نظر شیخ طوسی را رد می‌کند با  
این استدلال که «روایت مرسله نزد محققین حجت نیست. بر فرض که حجیت آن  
را قبول کنیم به احادیث مسند تا زمانی می‌توان عمل نمود که حدیث معارض  
وجود نداشته باشد در صورتی که در این مورد چنانچه بیان شد روایات زیادی وجود  
دارد که شارب خمر در مرتبه سوم کشته می‌شود و همچنین قیاس شرب خمر به  
زنا که در صورت تکرار در مرتبه چهارم موجب تشدید مجازات می‌شود این قیاس  
یک قیاس باطل است» (۱۴۱۲: ۹ / ۱۸۹).

بنابراین به نظر علامه نمی‌توان شراب خمر را با زنا مقایسه نمود. همچنین شهید ثانی می‌گوید:

«اکثر فقها گرایش به این دارند که شراب خمر در صورت تکرار در مرتبه سوم کشته می‌شود به واسطه اخبار زیاد و همچنین صحیحه که در مورد شرب خمر صراحت دارد؛ اما مرسله صدوق به طور مطلق یعنی چه معارض داشته باشد چه نداشته باشد غیر مقبول است (بی تا: ۲۰۵۹).

بنابراین عموم فقها در شرب خمر بطور خاص قائل اند که تکرار شرب خمر در مرتبه سوم موجب تشدید مجازات، یعنی قتل می‌شود چنانچه اشاره شد به روایات زیادی که حتی صاحب جواهر ادعای استفاضه می‌کند استناد نموده‌اند و همچنین ضمن رد مقایسه شرب خمر با زنا (به واسطه لذت بیشتر) گاهی در این مورد خاص، ادعای اجماع نموده‌اند، مانند: شیخ مفید که ایشان می‌فرماید: فقیهان امامی اتفاق نظر دارند که شراب خمر در مرتبه سوم کشته می‌شود (مفید، ۱۴۱۳: ۴۸).

پس با توجه به روایات مختلف که طرفداران هر دو نظریه به آن‌ها استدلال نموده‌اند دآوری در این مورد را مشکل می‌سازد؛ اگرچه بیشتر روایات، اعدام در مرتبه سوم را گزارش می‌کنند، اما روایات در اینکه شراب خمر در صورت تکرار در مرتبه چهارم کشته می‌شود نیز وجود دارد..

### ۱-۳-۷- سرقت

### ۱.۱.۱.۶

یکی دیگر، از جرائم حدی که سبب تشدید مجازات می‌شود سرقت است، که اگر کسی دزدی کند حدّ چنین مجرمی، آن است که در مرتبه نخست چهار انگشت دست راستش را قطع می‌کنند؛ اگر این عمل تکرار شد، در مرتبه دوم پای چپش را از بن قدم بریده و پاشنه‌اش گزارده می‌شود و اگر برای بار سوم این عمل از وی سرزند، تا وقت مردن، او را در زندان حبس و از بیت المال بر او انفاق می‌کنند و اگر در زندان مرتکب دزدی شود کشتن او واجب می‌شود (محقق حلّی، ۱۴۰۱/۱۵۴/۴؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۲۸۷/۹، خوبی، ۱۴۲۲: ۴۱/۳۰۴؛ خمینی، بی تا: ۴۸۹/۲).

در نتیجه سرقت در مرتبه چهارم سبب تشدید مجازات و قتل سارق می‌شود. مستند آن روایت معتبره سماعه است که در آن امام علیه السلام می‌فرماید: سارق در مرتبه چهارم کشته می‌شود.

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ: إِذَا أَخَذَ السَّارِقُ قُطِعَتْ يَدُهُ مِنْ وَسَطِ الْكَفِّ فَإِنْ عَادَ قُطِعَتْ رِجْلُهُ مِنْ وَسَطِ الْقَدَمِ فَإِنْ عَادَ اسْتُودِعَ السِّجْنَ فَإِنْ سَرَقَ فِي السِّجْنِ قُتِلَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۲۲۳، عاملی حر، ۱۴۰۹: ۲۸/۲۵۶).

اما صاحب جامع المدارک می‌گوید در دماء به خبر واحد ثقة نمی‌توان عمل کرد در نتیجه سارق؛ حتی در مرتبه چهارم کشته نمی‌شود (خوانساری، ۱۴۰۵: ۷/۱۵۴)؛ اما برخی در پاسخ به این نظر می‌گویند: «با وجود دلیل معتبر چاره‌ای جز عمل به آن نیست پس در صورتی که دلیل معتبر وجود دارد دیگر تجاوز بر دماء محسوب نمی‌شود» (کریمی جهرمی، ۱۳۷۰: ۳/۱۷۷). به هر حال حکم سرقت در صورت تکرار مانند زنا در مرتبه چهارم تشدید می‌شود.

### ۱-۳-۸- ارتداد

### ۱۰۱۰۱۰۷

ارتداد یکی از جرائمی است که موجب حد می‌شود. با توجه به اینکه مرتد به دو قسم ملی و فطری تقسیم می‌شود حکم تشدید مجازات تنها در مرتد ملی جریان پیدا می‌کند؛ یعنی اگر مرتد ملی پس از توبه مجدداً کافر شود جرم او تشدید گشته و به عقیده جماعتی از فقها در مرتبه سوم کشته می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳: ۲/۴۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/۶۲۲). زیرا کفر از بزرگترین گناهان است و مرتکبان گناهان کبیره به دلالت روایت صحیح یونس که در آن روایت امام علیه السلام می‌فرماید: اصحاب کبائر در مرتبه سوم کشته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۲۱۹). اما برخی چون شیخ طوسی در کتاب **خلاف** و دیگران به دلیل اقتضای احتیاط در دماء، در مرتبه چهارم قائل به کشتن مرتداند شیخ می‌گوید: دلیل ما اجماع فرق است (۱۴۰۷: ۵/۵۰۴؛ مروارید، ۱۴۰۶: ۲۳/۴۳۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۲/۱۹۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۲:

۱۳ / ۳۳۸). دیگر از فقهای که قائل است مرتد در مرحله چهارم کشته می‌شود شیخ بهایی است. ایشان در این مورد چنین می‌نویسد:

هرگاه کسی را سه مرتبه حد بزند و توبه نکند در مرتبه چهارم کشته می‌شود مانند شرب خمر، تفخید، سحر و مرتد (بی تا: ۴۲۲).

همچنین شیخ طوسی در کتاب *المبسوط* در مبحث مرتد می‌گوید:

«او را در مرتبه چهارم می‌کشند هرچند بعضی از فقها گفته‌اند توبه مرتد همیشه پذیرفته می‌شود؛ ولی تعزیر می‌شود و گروهی دیگر از فقیهان امامیه معتقدند که مرتد در مرتبه سوم زندان می‌شود بعد در ادامه می‌نویسد: که اصحاب ما قتل در مرتبه سوم را نیز نقل کرده‌اند» (بی تا: ۸ / ۷۴).

از معاصرین خوبی دیدگاه سومی در مسئله برگزیده و می‌گوید:

«إذا تکرّر الأرتداد فی الملیّ أو فی المرأة قیل: یقتل فی الرابعة، و قیل: یقتل فی الثالثة و کلاهما لا یخلو من إشکال، بل الأظهر عدم القتل» (خویی، ۱۴۲۲: ۴۱ / ۴۰۱).

مرتد ملی در هر حال کشته نمی‌شود. ایشان می‌گوید: علت آن این است که مستند قول به قتل مرتد در مرتبه چهارم اجماعی است که شیخ طوسی در کتاب *الخلافا* ادعا کرده که اصحاب کبائر در مرتبه چهارم کشته می‌شوند، در حالی که خلاف این اجماع ثابت شده است؛ زیرا برخی علما به قتل مرتد در مرتبه سوم معتقدند. همچنین مستند قتل مرتد در مرتبه سوم دو چیز است: یکی صحیحه یونس «اصحاب الکبائر اذا اقیم علیهم الحد مرتین قتلوا فی الثالثة». ولی این صحیحه شامل تکرار ارتداد نمی‌شود، زیرا این صحیحه مخصوص جایی است که حد بر مجرم دو مرتبه اجرا شده باشد، در حالی که بحث ما در این است که بر مرتد ملی حدی جاری نشده است؛ یعنی مرتد ملی را توبه داده‌اند و او توبه کرده و سپس

مرتد شده و باز توبه داده شده و سپس مرتد می‌شود. بنابراین حدی بر وی جاری نشده تا موضوع صحیحه یونس محقق شود.

دومین مستند این نظریه قتل مرتد در مرتبه سوم روایت جمیل بن دراج از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام است:

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا ⑩ فِي رَجُلٍ رَجَعَ عَنِ الْإِسْلَامِ قَالَ يَسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ وَ إِلا قُتِلَ قَيْلَ لِيَجْمِيلٍ فَمَا تَقُولُ إِنْ تَابَ ثُمَّ رَجَعَ عَنِ الْإِسْلَامِ قَالَ يَسْتَتَابُ فَمَا تَقُولُ إِنْ تَابَ ثُمَّ رَجَعَ ثُمَّ تَابَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ لَمْ أَسْمَعْ فِي هَذَا شَيْئاً وَ لَكِنْ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ الزَّانِي الَّذِي يَقَامُ عَلَيْهِ الْحَدُّ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُقْتَلُ بَعْدَ ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۲۵۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۳۷).

نقل می‌کند اگر مردی مرتد شد، توبه داده می‌شود، اگر توبه نکرد کشته می‌شود. از جمیل پرسیده شده اگر توبه کرد و دو باره مرتد شد حکمش چیست؟ جمیل می‌گوید: توبه داده می‌شود. باز از جمیل پرسیده می‌شود که اگر توبه کرد ولی برای بار سوم مرتد شد حکم او چیست؟ جمیل می‌گوید: در این زمینه چیزی شنیده‌ام؛ ولی به نظرم مانند زانی می‌ماند که اگر دو مرتبه حد بر او جاری شود در مرتبه بعدی کشته می‌شود، چنان‌که مشاهده می‌کنیم در این روایت حکم ارتداد در مرتبه سوم قتل بیان شده است.

نظر خوبی این است که این روایت نیز نمی‌تواند مستند صحیحی برای قتل مرتد در مرتبه سوم باشد؛ زیرا اولاً در سند روایت، علی بن حدید قرار دارد و روایت از این جهت ضعیف محسوب می‌شود؛ ثانیاً آنچه در روایت آمده فتوای جمیل و عقیده اوست نه نظر امام علیه السلام؛ لذا روایت یاد شده فاقد ارزش است. (۴۲۲: ۴۱/۴۰۱). سپس ایشان می‌نویسد: اظهر آن است که مرتد ملی یا زن مرتد اگر چند مرتبه مرتد شوند و توبه کنند به هر حال کشته نمی‌شوند.

بنابراین، در این‌که ارتداد در مرتبه سوم موجب تشدید مجازات می‌شود و یا در مرتبه چهارم یا اصلاً کشته نمی‌شود همانطور که خوبی با رد ادله قائلین مرتبه سوم

و چهارم معتقد بود که مرتد ملی به هیچ وجه کشته نمی‌شود، داوری به اینکه مرتد در مرتبه چندم کشته می‌شود مشکل است؛ ولی باید به قاعده احتیاط در دماء و حفظ جان انسان‌ها مراجعه نمود و با توجه به این اصول حکم نمود که در این صورت اگر مرتد کشته شود باید در مرتبه چهارم کشته شود نه مرتبه سوم.

## ۲. نتیجه‌گیری

در فقه امامیه تکرار جرم موجب تشدید مجازات می‌شود، زیرا شرایط، اوضاع و احوال تکرار کننده جرم که در هر مرتبه مجازات شده است با کسی که برای اولین بار مرتکب جرم شده است یکسان نیست و نباید یکسان هم باشد؛ چون این افراد با اصراری که به نقض هنجارهای جامعه دارد، نظم و آسایش عمومی را بیشتر جریحه‌دار می‌کند؛ لذا کار آمدترین واکنش علیه مجرم در اغلب نظام‌های حقوق جیهان، مجازات می‌باشد. پس باید در قبال فرد تکرار کننده جرم، در مجازات وی افزایش داده شود که آن نابرابری موجود بین چنین افراد بزهکاری که برای اولین بار مرتکب جرم شده جبران گردد. از طرفی عدالت کیفری در جامعه در صورتی محقق می‌شود که قانون با کسانی که اصرار بر تکرار جرم دارد شدیدتر برخورد نماید تا از این طریق هم جلوی تکرار جرم توسط مجرم گرفته شود و هم عبرت برای باقی افراد جامعه گردد.

در نظام جزائی اسلام یکی از جرائمی که تکرار آن باعث تشدید مجازات می‌شود، حدود است، در این که حدود باعث تشدید مجازات می‌شود هیچ اختلافی در فقه وجود ندارد و همه فقها اتفاق نظر دارند که اگر کسی جرمی را مرتکب شود که باید حد زده شود و این کار را تکرار نماید در هر مرتبه حد بر او جاری شود مجازات او تشدید می‌شود؛ اما همانطور که بیان شد در جزئیات مسئله اختلاف نظر فراوان بین فقها وجود دارد بگونه‌ای که آرای مختلف در تعیین عدد که موجب تشدید مجازات می‌شود وجود دارد، حتی گاهی یک فقیه در کتاب‌های مختلف یا حتی کتاب واحد دو نظریه متفاوت در این باره ابراز نموده است. همچنین هر کدام از صاحب نظران به ادله‌ای از جمله روایات استدلال و ادله طرف مقابل را رد

نموده‌اند، مثلاً در مورد قذف عده‌ای از فقها قائل‌اند که قاذف اگر این عمل را تکرار نماید و در هر مرتبه حد بر او جاری شود در مرتبه سوم مجازات او قتل است. عده دیگر از فقها معتقدند قاذف در مرتبه چهارم کشته می‌شود و هر کدام دلیل خودشان را دارند؛ لذا داوری بسیار سخت و مشکل است؛ ولی از آنجایی که اعدام مجرم که کم‌تر از چهار بار مرتکب جرم شده است بر خلاف احتیاط است، از طرفی هم برخی از فقه‌های بزرگ مانند شیخ طوسی در کتاب **الخلافا** قائل به اعدام در مرتبه پنجم بود؛ اگرچه اکثر فقها این قول را ضعیف دانسته و آنرا رد نمودند؛ ولی این قول حکایت از احتیاط در دماء و اصل حفظ جان انسان‌ها دارد. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که تکرار در صورت چهارم موجب تشدید مجازات می‌شود.

### کتابنامه

۱. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، (۱۳۹۰)، غنیة النزوع إلى علم الأصول و الفروع، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای، تهران.
۲. ابن عباد، اسماعیل، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، عالم الكتاب، بیروت.
۳. ابن فارس، ابو الحسین احمد بن زکریا، (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغة، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
۵. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد، (۱۴۱۶)، مجموعة فتاوی ابن الجنید، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۶. بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی، (۱۴۲۴)، سنن البیهقی الکبری، دار الکتب العلمیة، بی‌جا.
۷. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۱۷)، أسس الحدود و التعزیرات، دفتر مؤلف، قم.



۸. حرّاعلی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت، قم.
۹. حلبی، ابی الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان.
۱۰. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۱۱. حمیری، نشوان بن سعید، شمس، (۱۴۲)، العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دار الفکر المعاصر، بیروت.
۱۲. خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم.
۱۳. خوانساری، احمد بن یوسف، (۱۴۰۵)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۱۴. خویی، سید ابو القاسم، (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، قم.
۱۵. سلار ديلمی، حمزة بن عبد العزيز، (۱۴۰۴)، المراسم العلویة و الأحکام النبوی، منشورات الحرمین، قم.
۱۶. شریف مرتضی، علم الهدی، علی بن حسین، (۱۴۱۵)، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۵)، المقنع، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم.
۱۹. طرابلسی، قاضی، ابن براج عبد العزيز، (۱۴۰۶)، المذهب (لابن البراج)،

- دفترا انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۰. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱)، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران.
۲۱. طوسی، محدین حسن، (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی الفقه الامامیه، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷)، الخلاف، دفترا انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۴. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، (۱۴۰)، الوسيلة إلی نیل الفضیلة، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۲۵. عاملی شهید ثانی زین الدین، (۱۴۱۳) مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
۲۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین، (۱۴۰۱)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی کلاتر)، انتشارات داوری، قم.
۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، دفترا انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۸. فاضل مقداد، جمال الدین، (بی تا)، کنز العرفان، پاساژ قدس، قم.
۲۹. فخر المحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف، (۱۳۸۷)، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۳۰. کریمی جهرمی، علی، (۱۳۷۰)، الدر المنضود فی أحكام الحدود، دار القرآن، قم.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، تهران.

۳۲. ماوردی، ابوالحسن، ۰ (۱۳۶۳)، الاحکام السلطانية، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۳۳. مجلسی، محمدباقر اصفهانی، (بی تا)، حدود و قصاص و دیات، مؤسسه نشر آثار اسلامی، تهران.
۳۴. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، مؤسسة المطبوعات الدينية، قم.
۳۵. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۳۶. مروارید، علی اصغر، (۱۴۰۶)، سلسله الینایع الفقهیة، مرکز بحوث الحج و العمره، تهران.
۳۷. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، المقنع، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، تهران.
۳۸. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، مؤسسة النشر لجامعة المفید، قم.
۳۹. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴۰. واسطی زبیدی، حنفی، سید محمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
- هاشمی شاهرودی، محمود و دیگران، (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، قم..

